یادداشت روز

عملیات جمعه پهپاد یمنی - آفریقایی

جنگ غزه به پایان دهمین ماه خود نزدیک می‌شود. این جنگ از آغاز استقرار رژیم تا امروز از جهت دوره و آثار آن بی‌سابقه به حساب می‌آید. اینکه در این نزدیک به ده ماه بارها به نقطه پایانی رسیده و دوباره از سر گرفته شده است.

رژیم غاصب اسرائیل به این جنگ به عنوان «آخرین جنگ» نگاه می‌کند و مقاومت به این جنگ به عنوان «جنگ ماقبل آخر» می‌نگرد و خود این موضوع از اهمیت ویژه این جنگ و سرنوشت‌ساز بودن آن خبر می‌دهد. در این موضوع نکاتی وجود دارد:

۱ـ رژیم اسرائیل در این ۷۶ سال، ۱۳ جنگ را پشت‌سر گذاشته است. تا پیش از جنگ جاری غزه و به غیر از جنگ ۱۳۲۷/ ۱۹۴۸، جنگ‌های اسرائیل بین دو روز تا دو ماه به درازا کشیده و نوعاً هم به توافق سیاسی ختم شده که در مواردی به نفع آن و در مواردی به زیان آن به پایان رسیده است. در تمام این جنگ‌ها یک اصل وجود داشته و آن «حفظ برتری نظامی اسرائیل» و اذعان به آن بوده است در بعضی از جنگ‌های ۱۲گانه پیش از جنگ جاری غزه، اسرائیل با تثبیت برتری نظامی از جنگ خارج شده است. در جریان جنگ ۳۳ روزه که به قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل ختم شد، به ارتش اسرائیل ضربات و آسیب‌های شدید وارد شد، تنها برتری جنگ‌افزارها و کارآمدی آنها در مقایسه با آن روز حزب‌الله محسوس بود. بله ارتش اسرائیل در جنگ ۱۳۸۵ با حزب‌الله لبنان به شکست رسید ولی این شکست به این جمع‌بندی ختم نشد که «اسرائیل در حال نابود شدن است». با این وصف تکلیف اسرائیل در جنگ‌ها مشخص بود؛ هر جنگی باید به یک قطعنامه‌ای می‌رسید. پس از آن، همه چیز اسرائیل سر جای خود بازمی‌گشت و از حالت غیرعادی خارج می‌شد و تا وقوع جنگ بعدی، آسیب‌پذیری خود را ترمیم می‌کرد. یک نکته دیگر این بود که تا پیش از این جنگ ده ماهه، رژیم اسرائیل در خود توان مدیریت داخلی پس از پایان جنگ را می‌دید و از این‌رو تقریباً به جز یک استثنا در مورد بن گوریون، پس از پایان جنگ، هیچ دولت و حزب حاکمی در اسرائیل ساقط نشده است حتی می‌توان در بسیاری از موارد گفت، نحوه پایان جنگ به تداوم طولانی‌مدت یک دولت در اسرائیل منجر شده است.

۲ـ رژیم این جنگ را در وضعیتی کاملاً «واژگونه» می‌بیند. این تنها جنگی است که پس از صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل ادامه پیدا کرده است و این تنها جنگی است که اسرائیل در آن اشتهای ادامه دارد. در جریان جنگ ۳۳ روزه سال ۱۳۸۵، ارتش اسرائیل از روز نهم برای خارج شدن از جنگ تمنای صدور قطعنامه داشت که آمریکایی‌ها تا روز بیستم مرداد و به عبارتی تا سی‌ویکمین روز جنگ مانع آن بودند.

احساس اسرائیل این است که این جنگ سرنوشت اسرائیل را تعیین می‌کند و لذا اصرار دارد که برای غلبه بر این سرنوشت، به جنگ ادامه دهد ولو اینکه این تداوم توأم با هزینه‌های سنگین و بی‌سابقه باشد. اسرائیل الان نمی‌تواند به دیگران و میانجی‌گران اعتماد کند چون نتیجه پیروی از دیگران و میانجی‌گران را تن دادن به مرهمی موقت می‌داند. مرهمی که او را به‌زودی با یک «جنگ سنگین تمام‌کننده» مواجه می‌گرداند. اسرائیلی‌ها معتقدند اگر امروز جنگ غزه با این وضعیت به پایان برسد، فردا دولت اسرائیل سقوط می‌کند و این اسقاط دولت، اسرائیل را وارد یک دوره طولانی فقدان دولت می‌کند. چرا که برخلاف گذشته، امروز امکان شکل دادن به نوعی وفاق سیاسی در داخل وجود ندارد. از سوی دیگر رژیم اسرائیل احساس می‌کند فضای منطقه‌ای و بین‌المللی نه فقط در همین جنگ غزه بلکه طی سال‌های اخیر به ضرر اسرائیل تغییر کرده است و این تغییر، میزان تهدیدپذیری اسرائیل را افزایش داده و این در حالی است که تا پیش از این، فضای بین‌المللی حین جنگ و پس از جنگ به نفع اسرائیل بوده است. بنابراین رژیم غاصب با یک گزینه بیشتر مواجه نیست و آن «جنگیدن به امید تغییر موازنه» است. اسرائیل قادر به پایان دادن جنگ به شیوه‌های پیشین نیست چون این جنگ با جنگ‌های پیشین، تفاوت‌های اصولی دارد.

۳ـ رژیم اسرائیل برای تغییر موازنه جنگ، سیاست اخراج جمعیت از غزه را دنبال می‌کند. صهیونیست‌ها گمان می‌کنند می‌توانند شرایطی را فراهم کنند که مردم غزه، خود این منطقه را ترک کنند. در تحلیل اسرائیلی‌ها این مهاجرت داوطلبانه چه به صورت کلی و چه به صورت بخشی رخ دهد، مقاومت غزه را بر سر دوراهی قرار می‌دهد؛ یا باید همراه مردم خارج شود که در این صورت تهدید امنیتی اسرائیل از سمت غزه رفع می‌شود و یا اینکه اکثریت ساکنان می‌روند و مقاومت می‌ماند که در این صورت در معرض آسیب پیاپی اسرائیل قرار می‌گیرد و در این صورت نیز تهدید امنیتی غزه علیه اسرائیل کاهش می‌یابد. اسرائیل طی دو ماه گذشته بر این اساس، سیاست تخریب پی‌درپی و کم‌شدت را جایگزین سیاست تخریب یکباره و پرشدت غزه کرده است. گمان رژیم این است که با توجه به حضور پررنگ حزب‌الله در دفاع از مردم غزه و امکان تشدید جبهه شمالی، امکان انجام عملیات بزرگ علیه غزه که نتانیاهو و فرماندهان ارتش بارها وعده آن را داده بودند، فراهم نیست و از سوی دیگر عملیات‌های کوچک‌تر با واکنش کمتری از سوی کشورها، ملت‌ها و نهادهای حقوقی بین‌المللی مواجه می‌گردد و لذا اسرائیل در حالی به تغییر فاز روی آورد، که تقریباً متقاعد شده بود این تغییر فاز به هدف اسرائیل در جنگ آسیب نمی‌زند. رژیم غاصب در این حال گمان می‌کرد تغییر فاز، جبهه مقاومت و به‌خصوص ایران را منفعل می‌کند و حربه را از آن می‌گیرد. ولی حوادث دو سه روز گذشته نشان داد، رژیم اسرائیل یک بار دیگر در جمع‌بندی تحولات و نتیجه‌گیری از آن دچار خطا گردیده است.

۴ـ حمله یک پهپاد به ساختمانی در تل‌آویو به این جمع‌بندی اسرائیلی که تغییر فاز سبب انفعال جبهه مقاومت می‌شود، آسیب زد. اما چرا؟ از یک منظر حمله یک پهپاد به واحدی در یک ساختمان چند طبقه در تل‌آویو که به هلاکت و زخمی شدن چند نفر منجر شده است، اهمیت ویژه‌ای ندارد. چنین اتفاقی و حتی بسیار شدیدتر از آن، هر روز و گاهی هر ساعت در نوار غزه، در کرانه باختری و در منطقه شمالی برای اسرائیل و مقاومت رخ می‌دهد، چرا باید حمله یک پهپاد به یک ساختمان و کشته و زخمی شدن چند نفر اهمیت خاصی داشته باشد؟ بله اگر از منظر کمی به موضوع نگاه کنیم، روز جمعه اتفاق فوق‌العاده‌ای نیفتاده است اما وقتی می‌بینیم پس از این اتفاق، رژیم اسرائیل با استفاده از چندین هواپیمای مدرن جنگی به سواحل بندر الحدیده حمله می‌کند و فردای آن روز هم آمریکا و انگلیس به مناطقی در شمال یمن حمله می‌کنند و ده‌ها نفر را به شهادت رسانده و یا مجروح می‌نمایند، درمی‌یابیم که آنچه در حمله پهپادی به ساختمانی در تل‌آویو رخ داده در یک تحلیل کیفی، رخدادی مهم و راهبردی است. یعنی ظرفیت آن را دارد که معادله کنونی جنگ غزه ـ یعنی تبدیل صحنه نظامی از یک جنگ کم‌ضرر و کم‌خطر به موقعیت امنیتی پرسود ـ را تغییر دهد.

موضوع برخلاف ظاهر آن، مقداری پیچیده است! در معادله مورد نظر اسرائیل، سطح عملیات حزب‌الله، سطح عملیات انصارالله، سطح عملیات غزه و سطح عملیات عراقی‌ها اگر در همین حد باشد و یا حتی درصدی از این هم فراتر برود، اسرائیل می‌تواند مدیریت جنگ را تا زمانی که لازم بداند در اختیار خود داشته باشد. حمله روز جمعه پهپادی به تل‌آویو نشان داد اوضاع آن‌طور که اسرائیل گمان می‌کرده، پیش نمی‌رود. این پهپاد اگرچه در حکم شلیک یک تیر بود، نه بیش از آن اما از سمتی شلیک شده که خیال اسرائیل از آن راحت بود. اسرائیل در جنوب، خود را با تهدید محدود انصارالله مواجه می‌دید اما اینک پهپادی از سمت سینا به تل‌آویو رسیده و برای ضربه زدن به اسرائیل میدان جدیدی وارد چرخه دفاع از غزه شده است. در خبرهای دو روز پیش دو نکته جلب توجه می‌کرد؛ یک نکته این بود که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها و رژیم غاصب به فاصله کوتاهی پس از متهم کردن ایران به اینکه از خاک خود به تل‌آویو شلیک کرده است، ادعای خود را کنار گذاشتند. نکته دوم این بود که این پهپاد لزوماً مسیر دریای سرخ را طی نکرده است. این موضوع غرب و رژیم غاصب را نگران کرد چرا که چنین چیزی به این معناست که یک یا چند کشور آفریقایی به جرگه کشورهایی که از خاک خود برای دفاع از غزه استفاده می‌کنند، پیوسته‌اند و علاوه‌بر شمال جنوب و شرق، سمت غربی رژیم هم تهدیدپذیر شده است. اینکه کشورهایی در آفریقای مسلمان به یمنی‌ها کمک کرده و به این جرگه بپیوسته‌اند، می‌تواند آغاز تحرک عملیاتی کشورهای مسلمان آفریقایی علیه رژیم غاصب باشد. این یعنی تغییر معادله و لذا غربی‌ها برای آنکه رخ ندهد، هشدار دادند عملیات مشترک روز دوشنبه آمریکا و انگلیس علیه یمن، می‌تواند علیه کشورهای دیگر گسترش پیدا کند که البته بلوف بود.

سعدالله زارعی

چرا قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها تصویب شد؟

قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها از قوانینی بود که در مقابل زیاده‌خواهی‌ها و بدعهدی‌های آمریکا و اروپا در برجام به تصویب رسید و به اعتقاد بسیاری از کارشناسان یک قانون بازدارنده بود.

حدود ۹ سال پیش در چنین روزهایی بود که محمدجواد ظریف وزیر خارجه وقت در هتل کوبورگ وین، در کنار همتای خود در اتحادیه اروپا ایستاد و از امضای برجام خبر داد.

ادعای حل همه مشکلات با برجام

آن روزها دولتمردان وقت مدعی بودند که با امضای برجام همه مشکلات اقتصادی از کشور رخت برمی‌بندد و اوضاع اقتصادی دگرگون خواهد شد.

حسن روحانی رئیس‌جمهور وقت در شب امضای برجام در یک نشست تلویزیونی گفت که «طومار تحریم درهم پیچیده شد، حقوق هسته‌ای ایران تثبیت گردید و اقتصاد ایران در مدار اقتصاد جهانی قرار گرفت». او همچنین بر این نکته نیز تأکید می‌کند که زنجیرهای تحریم از پای اقتصاد ایران گسسته شده است و از امروز اقتصاد کشورهای جهان به روی ایران باز خواهد بود و مشکلات اقتصادی حل می‌شود. البته مهم‌ترین جمله حسن روحانی در شب برجام، لغو تمام تحریم‌ها علیه ایران بود.

رئیس‌جمهور وقت در نشستی هم با حضور استانداران سراسر کشور هم تاکید کرد که « این [برجام] نعمتی بزرگ از جانب خدا برای مردم عزیز ماست»! و در ۱۳ بهمن سال ۱۳۹۴ هم تاکید می‌کند که «یکی از اهداف مهم ما در برجام این بود که مردم در رفاه بیشتر باشند».

حسن روحانی در آن ایام و در مراسم روز ملی محیط زیست می‌گوید که «تحریم‌های ظالمانه باید از بین برود تا سرمایه بیاید و مشکل محیط زیست، اشتغال، صنعت و آب خوردن مردم حل شود!».

رئیس‌جمهور دولت یازدهم و دوازدهم برای برجام تعابیر دیگری نیز آورده است، روحانی از واژه‌های مانند؛ «آفتاب تابان»، «فتح‌الفتوح»، «معجزه قرن»، «بزرگ‌ترین دستاورد تاریخ ایران»، «نشانه تسلیم همه قدرت‌های بزرگ در برابر اراده ملت»، «ورق‌خوردن تاریخ به نفع ایران» و «پیروزی بزرگ‌تر از فتح خرمشهر» برای برجام استفاده کرد.

در کنار حسن روحانی، دیگر مسئولان دولت وقت نیز همواره بر حل مشکلات با برجام تاکید داشتند و همین موضوع باعث شده بود تا امیدواری مردم برای حل مشکلات بشدت افزایش یابد.

عمل به تعهدات از سوی ایران و بدعهدی طرف مقابل

پس از اینکه برجام از سوی اتحادیه اروپا و آمریکا تصویب شد، دولت حسن روحانی عمل به تعهدات را آغاز کرد تا جایی که بارها آژانس انرژی اتمی عمل به تعهدات از سوی ایران را تأیید کرد.در کنار خوش‌عهدی ایران اما طرف‌های مقابل در برجام، نه تنها اقدام مؤثری برای رفع تحریم‌ها نکردند بلکه هر از گاهی شاهد تحریم‌های جدید دیگری از سوی آنها بودیم.

خروج آمریکا از برجام

پس از مدتی که دولت وقت معطل اروپا و آمریکا برای عمل به تعهدات ماند، در آمریکا ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. او در نهایت در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ و مدتی پس از اینکه وارد کاخ سفید شد، با امضای فرمان اجرائی خروج از برجام، از این توافق خارج شد! ترامپ در همان نشست خروج از برجام گفت که « من دستور اعمال مجدد تحریم‌ها علیه ایران را به زودی صادر خواهم کرد.»

واکنش دولت وقت به خروج آمریکا

خروج آمریکا از برجام هم باعث نشد تا دولت روحانی تعهدات برجامی ایران را کاهش دهد.

حسن روحانی بلافاصله پس از اعلام نظر ترامپ مبنی بر خروج آمریکا از برجام، اعلام کرد که از این پس برجام توافقی بین ایران و ۵ کشور امضاءکننده آن خواهد بود. تصمیم ترامپ آغاز یک جنگ روانی علیه ایران بود و مردم قهرمان ما تحت تاثیر این جنگ روانی قرار نخواهند گرفت.

رئیس‌جمهور وقت همچنین افزود: من به وزارت خارجه دستور دادم که ظرف چند هفته آینده، با مذاکرات با کشورهای اروپایی و دو کشور بزرگ روسیه و چین، رایزنی‌ها، هماهنگی‌ها و مذاکرات لازم را انجام دهد؛ اگر در پایان این مهلت و زمان کوتاه، ما به این نتیجه رسیدیم که با همکاری پنج کشور می‌توانیم همه آنچه در برجام خواست ملت ایران بوده به دست‌آوریم، علی‌رغم میل آمریکا و رژیم صهیونیستی و تلاش‌های آنها و حرف‌های بی‌نزاکت امشب ترامپ، برجام پایدار خواهد ماند و ما می‌توانیم به نفع صلح و امنیت منطقه و جهان قدم‌های خود را برداریم.

افزایش انتقادات از بدعهدی‌های برجامی

بدعهدی طرف‌های مقابل برجام و افزایش تحریم‌ها صدای بسیاری از کارشناسان، نمایندگان مجلس و رسانه‌ها را درآورده بود.

وقتی امانوئل بون مشاور دیپلماتیک رئیس‌جمهوری فرانسه در ادامه دیدار با مقامات جمهوری اسلامی ایران با علی شمخانی دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی دیدار کرد، شمخانی با انتقاد از بی‌عملی کشورهای اروپایی برای اجرای تعهداتشان در برجام و فقدان اراده کافی برای مقابله با اقدامات تخریبی آمریکا در این توافقنامه چندجانبه اظهار داشت که با توجه به عدم استفاده اروپا از فرصت یکساله اجرای تعهدات یکطرفه از سوی ایران، تصمیم قاطع کشور ما اجرای تعهدات، متناسب با اقدام متقابل طرف‌های دیگر است و زمان انجام اقدامات یکطرفه به پایان رسیده است.

وی اجرای برنامه کاهش مرحله به مرحله تعهدات هسته‌ای را راهبرد غیرقابل تغییر ایران برشمرد و اظهار داشت: این مسیر در چارچوب بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام تا زمان تحقق کامل حقوق ایران ادامه می‌یابد.

تحریم‌ها هر روز بیشتر می‌شد و بدعهدی‌ها هم ادامه داشت. ایران باید در قبال این وضعیت کاری می‌کرد. نمایندگان مجلس در مصاحبه‌ها و برنامه‌ها مختلف بارها از دولت وقت خواستند تا اقدامی در راستای این وضعیت انجام دهد.

در نهایت اینکه چندین موضوع باعث شد تا مجلس به این نتیجه برسد وارد عمل شده و در مقابل اقدام نادرست اروپا و آمریکا که به منافع ملت ضربه می‌زد، بایستد.

–خروج یکجانبه و غیرقانونی آمریکا از برجام در ۸ می۲۰۱۸ و اعمال مجدد تحریم‌های لغو شده تحت برجام،

- اعمال تحریم‌های جدید به بهانه‌های مختلف و تغییر عناوین آنها، اعمال فشار بر سایر کشورها و شرکت‌های خصوصی برای پیروی از سیاست شکست خورده به اصطلاح فشار حداکثری

- عدم اتخاذ اقدامات مناسب از سوی اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی برای تضمین عملی منافع ایران تحت برجام و مقابله مؤثر با تحریم‌های آمریکا و جبران آنها از نظر اثرات رفع تحریم،

- وخیم‌تر شدن شرایط برجام در اثر عدم اجرای تعهدات طرف‌های اروپایی از جمله در زمینه‌های مالی، بانکی، بیمه، تجارت، انرژی، سرمایه‌گذاری و...،

- عدم بهره مندی عملی ایران از توافق هسته‌ای و برهم خوردن توازن میان تعهدات مندرج در برجام و تعادل بین داده‌ها و ستانده‌ها و فراهم شدن زمینه حقوقی توقف جزئی یا کلی تعهدات ایران تحت بندهای ۲۶ و ۳۶ برجام

-اتخاذ سیاستی مرکب از زیاده‌خواهی، بی‌اقدامی در برابر تعهدات خود، خرابکاری (هسته‌ای) و ترور (شهید فخری زاده، دانشمند برجسته دفاعی و هسته‌ای) و...

قانونی بازدارنده و کارآمد

به گزارش فارس، بسیاری از کارشناسان مسائل بین‌الملل معتقدند که قانون مجلس موجب شد تا دست دولت برای ادامه مذاکرات باز شود و از سوی بازدارنده باشد.

ابوالفضل ظهره وند کارشناس سیاست خارجی می‌گوید که قطعاً قانون اقدام راهبردی مجلس به نظر من یکی از افتخارات هم مجلس است و هم یک عامل بازدارنده بود و همین عامل سبب شد که در دولت آقای رئیسی هم مذاکرات انجام شد، اما مذاکرات نتوانست از مسیر بایسته خودش خارج شود طبق آن چیزی که آمریکایی‌ها می‌خواستند که بروند به سمت سایر بحث‌ها.

اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی هم می‌گوید که موضوع مهم قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها یک اقدام قابلیت‌ساز بوده تا در حقیقت بتواند با دشمن که به‌صورت کاملا یک طرفه، غیرقانونی و خلاف عرف بین‌المللی به دنبال متوقف کردن و یا محدودسازی صنعت هسته‌ای ایران است، مقابله کند.

خبر ویژه

از بی‌اعتنایی دولت روحانی به برنامه توسعه تا سقوط رشد اقتصادی

روزنامه اعتماد اذعان کرد، بیش از دوسوم احکام برنامه ششم توسعه از سوی دولت روحانی اجرا نشده است.

این روزنامه اصلاح‌طلب، اخیرا متنی را تحت عنوان «ردپای بر ۵ ادعای گمراه‌کننده» منتشر کرد و نوشت: «درباره ادعای معدل رشد اقتصادی هفت دهم درصدی در دولت روحانی، باید گفت از سال ۱۳۹۲ تا سال ۱۳۹۹ فقط در دو سال ۹۷ و ۹۸ اقتصاد ایران با رشد منفی روبه‌رو شد. دلیل آن هم روشن است. ظهور فردی مانند ترامپ و خروج او از توافق برجام و اعمال شدیدترین شوک تحریمی به بدنه اقتصاد ایران که در حال بازسازی بود. ضمن اینکه میانگین رشد این هشت سال اصلا و ابدا ۷دهم درصد نبود. ادعای دوم، این است که تورم در دولت روحانی به ۶۰درصد رسید. مرکز آمار ایران می‌گوید نرخ تورم ۱۲ماهه پس از روی کار آمدن رئیسی نه‌تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه در مقاطعی از ماه‌های پایانی دولت روحانی بیشتر بوده است. ضمن اینکه نرخ تورم به روایت این مرکز نیز در سال پایانی دولت روحانی ۴۵,۷درصد بوده نه ۶۰درصد.

ادعای سوم این است که فقط ۳۰درصد برنامه ششم توسعه اجرا شد. این ادعایی است که هم سعید جلیلی و هم مصطفی پورمحمدی به آن اشاره کرده‌اند. به نظر می‌رسد که مبنای این ادعا، گزارش دیوان محاسبات باشد که در تیر ۱۴۰۱ منتشر شد و نشان می‌داد که فقط ۳۰درصد احکام برنامه ششم توسعه اجرائی شده است. البته عدد درصد اجرای احکام برنامه ششم در اظهارات مسئولان دولتی و مجلس متفاوت است. به طور مثال بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در مردادماه ۱۴۰۲ گفته بود که «وقتی میزان تحقق برنامه ششم و قبلی‌ها را بررسی کنیم میزان تحقق نسبی برنامه‌ها حدودا ۳۸درصد و تحقق کامل برنامه‌ها ۹درصد است.» همین آقای نگاهداری در خرداد یک سال پیش از این تاریخ نیز گفته بود که ۳۵درصد از احکام برنامه توسعه اجرائی شده است. آقای نگاهداری در خرداد ۱۴۰۲ بار دیگر عدد را تغییر داده و این‌بار گفته که ۳۰درصد از برنامه‌های توسعه‌ای اجرا شده است».

درباره تحلیل روزنامه اعتماد گفتنی است: ۱) عدد رشد اقتصادی ششم دهم درصد، حاصل جمع ارقام رشد سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ و تقسیم بر هشت سال دولت روحانی است و تردیدی درباره آن وجود ندارد. تعطیلی هشت‌هزار کارخانه و خالی شدن خزانه ارزی و ریالی به نحوی که دولت وقت عنوان می‌کرد قادر به پرداخت حقوق کارکنان و واردات واکسن نیست و حذف بی‌سروصدای ارز دولتی ۲۰ قلم کالا از مجموع ۲۴ قلم کالا و انباشت ۱۵۰۰هزار میلیارد تومان بدهی و... هم نشانه‌های گوناگونی از این رکود به جای رشد اقتصادی است.

۲) نرخ تورم ۶۰درصد، نرخ تورم نقطه به نقطه در شهریور ۱۴۰۰ است که در این اواخر به حدود ۳۵درصد رسیده است.

۳) در موضوع عدم اجرای برنامه بودجه از سوی دولت روحانی، استنادات خود روزنامه اعتماد اذعان دارد که طبق برآوردها ۶۲ تا ۷۰درصد برنامه اجرا نشده است و این یعنی از هر سه بند، دو بند به اجرا درنیامده است.

یادآور می‌شود بنابر گزارش اول تیرماه معاون دیوان محاسبات، فقط ۳۰درصد برنامه ششم توسط دولت قبل اجرائی شد. بنابر گزارش معاونت فنی و حسابرسی دیوان محاسبات، متوسط رشد در سال‌های اجرای برنامه، تنها ۷۶صدم درصد بوده است. سعید بیت عفری گزارش ارزیابی عملکرد قانون برنامه ششم توسعه را قرائت کرد که در آن گزارش آمده بود: دیوان محاسبات این گزارش را در راستای وظایف ذاتی خود و به‌منظور پاسداری از بیت‌المال با بررسی کل ۵۲۰ بند و تبصره احکام برنامه ششم توسعه، تهیه کرده است. بر اساس آن ۳۰درصد احکام برنامه ششم محقق شده و انحراف در برخی شاخص‌های تدوین‌شده در برنامه ششم مشهود است. یافته‌های دیوان محاسبات نشان می‌دهد علی‌رغم اینکه در قانون برنامه ششم توسعه دستیابی به متوسط رشد سالانه ۸درصد هدف‌گذاری شده بود، اما متوسط رشد در سال‌های اجرای برنامه، تنها ۷۶صدم درصد بوده است. همچنین در قانون برنامه ششم توسعه در ۷۹ بند، دولت و دستگاه‌های اجرائی ملزم به تدوین و تصویب مقررات (آیین‌نامه، دستورالعمل، سند و...) جهت اجرای مفاد احکام شده‌اند که ۲درصد از مقررات دارای فرصت زمانی، در موعد مقرر تصویب شده‌اند و نهایتا، تا پایان سال ۱۴۰۰ (پس از روی کار آمدن آقای رئیسی در مرداد ۱۴۰۰) تعداد ۶۰ فقره از مقررات مذکور تهیه و تصویب شده است.

نه آمریکا تحریم‌ها را برمی‌دارد نه ایران، اعتمادی به آمریکا دارد

اندیشکده آمریکایی با منتفی خواندن برجام و حقوق پایمال‌شده ایران در آن، خواستار برجام۲ برای مهار ایران شد اما اذعان کرد: توافق دوباره، آسان نیست چراکه آمریکا می‌خواهد تحریم‌ها را به عنوان چماق حفظ کند و ایران هم اعتمادی به آمریکا ندارد. اندیشکده شورای آتلانتیک با بررسی امکان توافق هسته‌ای جدید در دوران رئیس‌جمهور جدید ایران، به قلم دنی سیترینوویچ نوشت: مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور منتخب در جریان مبارزات انتخاباتی خود اعلام کرد که قصد دارد برای رفع تحریم‌های آمریکا علیه ایران تلاش کند. واضح است که رفع تحریم‌ها بر بخش‌های حیاتی اقتصاد ایران مانند بخش انرژی، مستلزم توافق جدید با غرب درخصوص برنامه هسته‌ای است.

اما با توجه به تحولات اخیر در صحنه جهانی- جنگ اوکراین، ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱ ایران و حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به اسرائیل- و این واقعیت که ایران عمدتاً کنترل نشده، آیا توافق هسته‌ای جدید می‌تواند محقق شود؟ با نگاهی به وضعیت کنونی مذاکرات که ایالات‌متحده تحت رهبری ترامپ در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد و تحریم‌های یکجانبه را مجدداً اعمال کرد، پیشرفت چندانی حاصل نشده است. این شکست و این واقعیت که اکثر محدودیت‌ها بر ایران همان‌طور که در توافق هسته‌ای تعیین شده، تا ضرب‌الاجل اکتبر ۲۰۲۵- آخرین تاریخی که غرب می‌تواند تحریم‌های «اسنپ‌بک» را اعمال کند، برداشته می‌شود- احتمال بازگشت به توافق هسته‌ای را بسیار بعید می‌سازد. با این حال، با توجه به تمایل فوری طرفین برای جلوگیری از وخامت و تشدید کنترل‌نشده، آنها به گفت‌وگوی خود در عمان برای جلوگیری از تشدید تنش منطقه‌ای در جهان پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ ادامه داده‌اند. در هر صورت، بازگشت به برجام پس از انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ماه نوامبر و به‌ویژه با توجه به پیروزی پزشکیان در ایران و ضرب‌الاجل اکتبر ۲۰۲۵، دوباره روی میز خواهد بود. بنابراین، تهران و قدرت‌های جهانی مربوطه باید در مورد امکان ایجاد یک چارچوب سیاسی جدید برای موضوع هسته‌ای ایران گفت‌وگو کنند. در غیر این صورت، احتمال وقوع بحران‌های بی‌سابقه بین ایالات‌متحده و ایران به شدت افزایش خواهد یافت. اما با توجه به ناکامی طرفها در بازگشت به برجام- و با توجه به بی‌اعتمادی عمیق تاریخی بین آنها- این سؤال مطرح می‌شود که وقتی وضعیت برنامه هسته‌ای ایران به‌طور چشمگیری با آنچه در آن وجود دارد متفاوت شده، به چه نوع توافقی دست خواهند یافت. تهران پیشرفت چشمگیری در ظرفیت غنی‌سازی خود داشته است. امروزه با استفاده از سانتریفیوژهای بسیار پیشرفته ۶۰درصد غنی‌سازی می‌کند و ذخایر اورانیوم غنی‌شده زیادی دارد.

هر مذاکره‌ای پیچیده و چالش‌برانگیز خواهد بود. واقع‌بینی و درک آنچه شامل توافق جدید نمی‌شود، ضروری است. از نظر فناورانه، هدف تعیین‌شده در نسخه برجام ۲۰۱۵، شکستن یک‌ساله گریز هسته‌ای به دلیل پیشرفت بی‌سابقه ایران در غنی‌سازی بود که اکنون از نظر تکنولوژیک غیرمرتبط به نظر می‌رسد و اجرای این هدف را در عمل غیرممکن می‌کند. ایران با استفاده از سانتریفیوژهای بسیار پیشرفته از آستانه غنی‌سازی تا ۶۰درصد گذشت و هیچ کشور یا نهادی قادر به حذف این دانش نخواهد بود، حتی اگر بیشتر زیرساخت‌هایش از بین بروند.

علاوه‌بر این، توافق آینده تنها توانایی هسته‌ای ایران را محدود می‌کند- و نه پیشرفت آن در زمینه متعارف یا فعالیت‌های منطقه‌ای‌اش- زیرا توافق اولیه تنها بر پرونده هسته‌ای متمرکز بود. این موضع قطعی ایران است و توانایی تغییر آن تقریباً وجود ندارد. علاوه‌بر این، با توجه به عدم‌اعتماد به غرب، که پس از خروج ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۸ تشدید هم شد، احتمال اینکه تهران با برچیدن زیرساخت‌های هسته‌ای خود موافقت کند بسیار کم است. این بدان معنا نیست که ایران آماده برچیدن سانتریفیوژها نخواهد بود. با این حال، بعید است که ایران با برچیدن دسته‌جمعی موافقت کند، به‌خصوص اگر انبار سانتریفیوژها دور از تاسیسات هسته‌ای باشد.

با فرض اینکه طرفین بتوانند بر اساس مفروضات اولیه به توافق برسند، غرب توانایی نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران (از استخراج مواد تا تولید سانتریفیوژها تا خود غنی‌سازی) را برای سال‌های طولانی دریافت خواهد کرد. برجام۲ توافق کاملی نخواهد بود، اما توانایی غرب برای نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران را به میزان قابل‌توجهی بهبود می‌بخشد و اطمینان می‌دهد که این برنامه به اهداف صلح‌آمیز محدود می‌شود. هزینه لغو تحریم‌ها بسیار قابل‌توجه خواهد بود.

ایالات‌متحده از ابتدا می‌خواست تحریم‌ها را به عنوان چماق حفظ کند که در ازای اجرای توافق هسته‌ای توسط ایران می‌توانست قابل چشم‌پوشی باشد. ایران افزایش نیروهای متعارف خود مانند موشک‌های بالستیک و پهپادها را متوقف نخواهد کرد و حاضر نخواهد شد در مورد همکاری خود با نیروهای نیابتی در خاورمیانه گفت‌وگو کند. هرگونه مداخله بین‌المللی در این موضوعات دارای خط قرمز است و ایران هیچ‌گونه محدودیتی را در ارتباط با هیچ متحدی در هیچ معامله‌ای نمی‌پذیرد. استراتژی ایران از روز اول روشن بود: محدودیت در برنامه هسته‌ای «صلح‌آمیز»، در ازای لغو تحریم‌ها و هیچ‌چیز دیگری. حتی اگر قدرت‌های جهانی این اصول را بپذیرند، دستیابی به توافق آسان نخواهد بود. سوءظن بین واشنگتن و تهران بدون توجه به اینکه چه کسی در هر دو کشور بر سر کار است، ادامه خواهد داشت.

گفت و شنود

یکی دیگه بزنی هیچی!

گفت: آقای ظریف و دوستانش می‌گویند اگر برجام برای ایران فاجعه و به سود آمریکا بود چرا ترامپ از آن خارج شد؟!

گفتم: آقایان از پله دوم حرکت می‌کنند! خانم موگرینی، نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات هسته‌ای فاش کرد که ابتدا آقای روحانی تضمین داد اگر آمریکا از برجام خارج شود، ایران خارج نخواهد شد و ترامپ بعد از گرفتن این تضمین و اطمینان از این که ایران در برجام باقی می‌ماند، از آن خارج شد.

گفت: خب، ترامپ چه نیازی داشت که از برجام خارج بشود؟

گفتم: جواب این سؤال را خود ترامپ داده است و اعلام کرده بود که صنایع موشکی ایران و مسائل مربوط به حضور ایران در منطقه هم باید در برجام گنجانده شود و بعد از خروج، چندین بار اعلام کرد که منتظر درخواست ایران برای مذاکره است تا محدودیت صنایع موشکی هم به برجام اضافه شود و با تضمینی که از روحانی گرفته بود مطمئن بود که ایران برای مذاکره مراجعه می‌کند!

گفت: پس چرا ایران مراجعه نکرد؟!

گفتم: آفرین! این دقیقاً همان نکته‌ای است که آقایان جرأت بیان آن را ندارند. فقط می‌گویند مصوبه راهبردی مجلس مانع شد ولی نمی‌گویند مفاد مصوبه چه بود. در مصوبه آمده بود که دادن امتیاز نقد در مقابل وعده‌های نسیه ممنوع است.

گفت: پس بگو چرا دو روز قبل آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا گفته بود «خروج از برجام یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات آمریکا بود». یعنی اعتراف می‌کند که مصوبه راهبردی مجلس توطئه آنها را خنثی کرده است.

گفتم: یارو دوتا گونی پر از شیشه بار شتر کرده بود و می‌خواست از دروازه وارد شهر شود. مامور گمرک با چماق روی یکی از کیسه‌ها زد و پرسید بارت چیست؟ یارو گفت: یکی دیگه بزنی هیچی!

نکته

آقای پزشکیان! این شتر به کوی لیلی نمی‌رود

۱- در مثنوی مولوی داستانی آمده است که برای این روزها درس‌آموز و عبرت‌انگیز است. ملای رومی نقل می‌کند، «مجنون» که بی‌قرار «لیلی» بود، در تب و تاب دیدار او بر پشت ناقه‌ای نشسته و آهنگ کوی لیلی داشت. ناقه اما در شهر کُره‌ای شیرخواره داشت و به غریزه مادری از او دل بر نمی‌داشت. مجنون در این اندیشه که به کوی لیلی برود و شتر در اضطراب که از کُره خود جدا نشود! به قول ملای رومی:

«همچو مجنون در تنازع با شتر
گَه شتر چربید و گَه مجنون حُر
میل مجنون پیش آن لیلی روان
میل ناقه، پس سوی کُره دوان
یکدم ار مجنون از او غافل شدی
ناقه گردیدی و واپس آمدی
یک دو روزه ره بدین منوال‌ها
مانده مجنون در تردد سال‌ها»

**این‌گونه بود که همراهی این دو «ناهمراه» ممک